

■ ...ماچنین کسانى رانداريم

۱۳۷۳/۰۴/۲۲ - در دیدار هنرمندان و مسئولان

فرهنگى کشور

همان طور که مى دانيد، تاکنون کتاب های بسيارى راجع به انقلاب اکتر نوشته شده است. اما بنده، دورمان از زمان های معروف و درجه يك در اين خصوص را خواندم و با هم مقايسه کردم؛ اگر چه بيش از دو کتاب و تقريباتى شود گفت تعداد زيادى کتاب راجع به انقلاب اکتر خوانده ام. يکى از اين دو رمان «دُن آرام» اثر شولوخف است که معروف است. خود شولوخف هم، بلا تشبيه مثل شما آقاين است. يعنى اصلاً پديد آمده انقلاب است؛ مربوط به طبقه انقلاب است؛ نويسنده انقلاب است. او که در دوران انقلاب اکتر در جوانى به سر مى برده است، «دُن آرام» را تحت تأثير حوادث و وقايع انقلاب نوشته است. دومين رمان هم «گذر از رنجه» اى آلکسى تولستوى است که گفتيم ابتدا ضد انقلاب بود. رمان «گذر از رنجه» ها، نه فقط از لحاظ داستانى، که از لحاظ گرايش به اصول انقلاب و مجذوب بودن در مقابل حوادث و پديده های انقلاب و ترسيم زيباى حوادث آن، بهتر از رمان «دُن آرام» است. «گذر از رنجه» در واقع چهره انقلاب را زيبا ترسيم کرده و زيبا نشان داده است. راجع به رمان «دُن آرام»، در جايى خواندم: زمانى که شولوخف نوشتن آن را به پايان برده، به او اجازه انتشار و بخشش رانداوند. ولى بعداً ما کسيم گورکى که رئيس شورای ميميزي فضا وزارت ارشاد شوروى آن روز بود - و آن وزارتخانه هم، از اول انقلاب، خودى خودى محسوب مى شد - گفت: «من به عهده مى گيرم که شولوخف خودى است. والا، مسئولان فرهنگى نظام سوسياليستى شوروى، مدعى بودند چون شولوخف اهل قزاقستان است، لذا در رمان خود، احساسات قزاقى و بومى منطقه «دُن» را منعکس و القا کرده است. به هر حال، اين نويسنده يك ضد انقلاب بوده است که تبديل به فردى انقلابى مى شود و چنان رمانى رامى نويسد. ماچنين کسانى رانداريم. اگر چه قبل از انقلاب هم رمان نويس نداشتيم؛ اما هنرمندان بر جسته معروف آن زمان، خيلى به ندرت به انقلاب گراييدند. ... با اين حساب، سر اصل مطلب برگرديم. يك جبهه خودى خالص جوشيده از انقلاب که متشکل از عناصر صدر در صد خودى بود، به وجود آمد. اين جبهه، حتى از چهره هاى بر خوردار شد که از نظام قبل به نظام اسلامى منتقل شدند و بعضى از آنها از جوانان ساخته و پرداخته انقلاب نيز خودى تر و صميمى تر از آب در آمدند. از اين چهره ها کسانى را داشتيم که به اين جبهه پيوستند. البته نمى توانم بگويم که در ميان اين چهره ها کسانى هم بودند که از جبهه مقابل به اين جبهه آمدند. اما به عنوان مثال،

کسانى چون مرحوم «قدسى مشهدى» - اگر نخواهيم از زنده ها اسم بياوريم - در عالم شعر بودند که همان زمان هم انقلابى، اهل زندان و اهل مبارزه به حساب مى آمدند. به هر حال، اين جبهه، که جبهه جوانان بود، به وجود آمد....

■ شعر حقا در اين کشور پيش رفته

۱۳۸۷/۰۶/۲۵ - در دیدار شاعران

شكى نيست که شعر يك ثروت ملي است. اگر كسى در اين ترديد بکند، در يکى از بديهى ترين مسائل ترديد کرده. شعر يك ثروت براى هر کشور است؛ يك ثروت بزرگ و پر ثمرى است. اولاً بايد اين ثروت را ايجاد کرد، ثانياً بايد اين را روز به روز افزايش داد که دچار خسران و کم آمدن و کاهش نشود. ثالثاً بايد از آن براى نياز هاى کشور استفاده بهتر و برتر کرد. نمى توانم ادعا کنم و بگويم که عامل رشد و گسترش دامنه شعر در کشور ما - که اين گسترش امروز نسبت به گذشته بسيار آشکار و بين است - دقيقاً چه هست. شكى نيست که يکى از مهم ترين عواملش، باز بودن فضاى جولان در عرصه هاى مختلف فکرى و علمى و ذهنى است که اين هديه انقلاب است به ما، بلاشک. ما دوران قبل از انقلاب راديديم، شعر اى آن وقت را ديديم، مى شناسيم، با خيلى شان نشست و بر خاست داشتيم. بهترين هايشان هر گز اين مجال را پيدا نمى کردند که در يك منظر عمومى، در يك محضر عمومى بيايند خودشان و شعرشان را ارائه بدهند. ... من حالا بحث تعداد و کميت و گسترش را دارم مى گويم. بحث كيفيت يك بحث ديگرى است؛ بايد يك سنجش واقعى و علمى انجام بگيرد، ببينيم چه جورى مى شود كيفيت ها را بالا برد. البته كيفيت شعر در آن دوره، به تناسب آن مقطع، در شعر همان هاى که بودند، كيفيت خيلى خوب بود. مثلاً در غزل شخصيت هاى مثل اميرى، مثل رهى يا مرحوم شهريار و شايد در ساير انواع، کسان بزرگ ديگرى که بودند - که حالا جاي تفسير آن در اين جلسه نيست. بنده هم چيز هاى در اين مينه ها در ذهنم هست که حالا آن رانمى خواهيم متعرض بشويم - ليکن از لحاظ گسترش، باز بودن ميدان جولان، اينکه افراد بتوانند خودشان را عرضه بکنند، که خود اين يك مشوق خيلى بزرگى است، اين آن وقت وجود نداشت. انقلاب اين ميدان را باز کرد؛ نه فقط در عالم شعر و در عالم ادب، در عالم علوم مختلف، در تحقيقات، در مديريت هاى گوناگون؛ مديريت هاى کلان، مثل مديريت ميدان جنگ و دفاع مقدس که به طور قهرى پيش آمد و از موني براى همه شد. الحمد لله اين هست؛ شعر گسترش خيلى زيادى پيدا کرده.

علاوه بر اين، اين شعرى که امشب من شنيدم و

پارسال توهمين جلسه از جوان ها شنيدم، با شعرى که چهارده، پانزده سال پيش از جوان هاى شنيدم، خيلى تفاوت کرده، خيلى جلورفته، خيلى خوب شده، خيلى صيقل يافته شده. علاوه بر اينکه مضامين خوبى در شعر ها انسان مشاهده مى کند. شعر حقا در اين کشور پيش رفته. بنا بر اين، ما امروز اين ثروت ملي را داريم؛ منتها بايد اين را افزايش بدهيد. افزايش هم بر عهده دستگاه هاى مسئول است، هم بر عهده خود شاعران و کسانى است که قريحه دارند

در زمينه هاى مسائل سياسى و انقلابى به هم نظر من خيلى کار بايد بشود؛ کار هاى نشده ما داريم. حالا مسئله شهيد و شهادت که تمام شدنى نيست و واقعاً هيچ وقت تمام نمى شود و بحمد الله ادامه هم دارد. شعر هاى خوبى هم هر دفعه که ما با برادر ها و خواهر ها مى نشستيم، بحمد الله مى بينيم که گفته شده، در جاهاى ديگر هم که من مى خوانم، مى بينم؛ ليکن فقط مسائل انقلاب منحصر در مسئله شهيد نيست. ما اينقدر مفاهيم عالى انقلاب داريم. انقلاب حرف نو در دنيا آورده؛ شوخى نيست.

■ شعر انقلاب بايد در خدمت مفاهيم انقلاب باشد

۸۸/۰۶/۱۴ - دیدار جمعى از شعرا

خب، يك مطلب اين است که شعر دوران انقلاب - يعنى اين دوران سى ساله - دارد آزايش خوبى از خودش نشان مى دهد؛ شعر اى خوب ما هيچ تنزل و توقف ندارد؛ انسان اين را حس مى کند. قبل ها و در دوره هاى قبل از انقلاب شعر اى را ديديم - شعر اى بعضاً معروف - که در يك برهه اى از عمر شان، يك اوجى گرفتند، اما بعد نزول کردند يا متوقف شدند يا سقوط کردند؛ بعد ها که نگاه مى کرديم، مى ديدم شعر هاى بعدى شان اصلاً هيچ لطفى ندارد. من نگاه مى کنم، مى بينم تا الان در بين شعر اى ما اين جورى نبوده... علاوه بر اينکه رويش هاى جديدى هم ما داريم. اين جوان هاى که دارم مى بينم، حقيقتاً من را شگفت زده مى کنند. شعر اى جوان بعضى از شهرستان ها که مى آيند اينجا و شعر مى خوانند، وقتى من اينها را با شعر اى آن شهر - در دوره جوانى خود من - مقايسه مى کنم، مى بينم اينها از آنها بهترند؛ با اينکه آنها بعضاً نام هاى معروف و شعر اى معروف و صاحب نامى هم بودند؛ اما وقتى من نگاه مى کنم، مى بينم اينها بهتر از آنها شعر مى گویند... يك نکته اى که در اينجا وجود دارد اين است که شعر انقلاب بايد در خدمت مفاهيم انقلاب باشد. خب در بين شما ها کسانى هستند که شعر هاى آيينى مى گویند. شعر هاى مذهبى و شعر هاى مربوط به ائمه (عليهم السلام) را، به اصطلاحى که حالا باب شده،